

نکته

ذره‌ای در مقابل سیل خروشان

مدت‌ها بود که تنش میان گروهک رجوی و مدافعان نظام تشدید شده بود. از سوی دیگر با نزدیک شدن به رئیس جمهور بنی‌صدر برای خود حاشیه امنی جست‌وجو می‌کردند. کمتر از دو ماه به ورود گسترده آنها به فاز نظامی و ترور نمانده بود که رهبران این گروه تقاضای گفت‌وگو و دیدار با رهبر انقلاب را مطرح کردند.
امام خمینی در پاسخ به این مسأله در یک سخنرانی در ۲۱ اردیبهشت ۱۳۶۰ ارتباط با آنها و شرط فعالیت آزادشان را کنار گذاشتن اسلحه و التزام به قانون اساسی دانسته و خطاب به آنها چنین گفتند.

«انهایسی که این‌طور هم با قلم‌هایشان، علاوه بر تنگ‌هایشان، با ما معارضه دارند ما به آنها کراراً گفته‌ایم و حالا هم می‌گویم که مادامی که شما تنگ‌ها را در مقابل ملت کشیده‌اید، یعنی در مقابل اسلام با اسلحه قیام کرده‌اید، نمی‌توانیم صحبت کنیم و نمی‌توانیم مجلسی با هم داشته باشیم. شما(مجاهدین خلق) اسلحه‌ها را زمین بگذارید و به دامن اسلام برگردید، اسلام شما را می‌پذیرد و اسلام هودار همه شماها هست. فقط گفتن به اینکه ما حاضرم [کافی نمی‌باشد] و در آن نوشته‌ای که نوشته‌اید، در عین حالی که اظهار مظلومیت‌های زیاد کرده‌اید، لکن باز ناشیگری کردید و ما را تهدید به قیام مسلحانه کردید. ما چطور با کسانی که قیام مسلحانه بر ضد اسلام می‌خواهند بکنند می‌توانیم تفاهم کنیم؟ شما این مطلب را، این رویه را ترک کنید و اسلحه‌ها را تسلیم کنید و اگر می‌گویید ما به قانون، در عین حالی که رای نداده‌ایم، لکن سر به او می‌سپاریم و قبول داریم او را، به قانون شما عمل کنید و قیام بر ضد دولت، که بر خلاف قانون است و قیام مسلحانه که بر ضد قانون است و اسلحه داشتن که بر ضد قوانین کشور است، به اینها عمل کنید، ما هم با شما بهتر از آن طوری که شما بخواهید عمل می‌کنیم. ما می‌خواهیم با آغوش باز همه گروه‌هایی که هستند، بپذیریم و همه منحرفین را میل داریم که به استقامت برگردند. اسلام برای همین آمده است. اسلام آمده است که راه مستقیم انسانیت را به مردم، به جهان، ارائه بدهد و حتی‌الامکان هم خودش تعقیب کند برای برگرداندن منحرفین به راه راست اسلامی. اسلام، بلکه تمام مکتب‌های توحیدی در طول تاریخ، برای اصلاح



بشتر آمده است. پیغمبر اکرم برای این مشرکینی که به جهنم خودشان را می‌فرستادند، برای اینها تاسف می‌خورد، غصه می‌خورد برای اینها. اسلام دین رحمت است، دین عدل است. دیانت قانون است، شما به قوانین اسلام سر بنگارید، گردن فرو بیاورید. کشور اسلامی ما، همه شما را می‌پذیرد و من هم که در طلیه هستم با شما حاضرم که در یک جلسه، نه در یک جلسه، ده‌ها جلسه، با شما بنشینم و صحبت کنم، لکن من چه بکنم که شما اسلحه را در دست گرفته‌اید و می‌خواهید ما را گول بزنید.

برگردید و به دامن ملت بیایید و اسلحه‌ها را تحویل بدهید و اذعان کنید به اینکه ما خلاف کرده‌ایم. دعوی تکنید که ما در جهیه مشغول جنگ هستیم. دعوی این را تکنید که ما از اول تا حالا همیشه طرفدار اسلام و یا طرفدار از مردم بودیم. این را دعوی نکنید؛ برای اینکه از شما پذیرفته نیست و شما قبل از اینکه اینجا به این مطلب برسید، مشق خودتان را باز کرده‌اید. شما این می‌بینید که بعض احزابی که انحراف می‌هستند و ما آنها را جزء مسلمین هم حساب نمی‌کنیم، معذلک، چون بنای قیام مسلحانه ندارند و فقط صحبت‌های سیاسی دارند، هم آزادند و هم نشریه دارند به طور آزاد. پس بدانید که این طور نیست که ما با همه احزاب دیگری، با گروه‌های دیگری، دشمنی داشته باشیم. ما البته میل داریم که همه گروه‌ها و همه احزاب به اسلام برگردند و راه مستقیم اسلام را پیش بگیرند و همه مسلم بشوند. و بر فرض اینکه نشدند، مادامی که آنها با ما جنگی ندارند و با کشور اسلامی جنگی ندارند و در مقابل اسلام قیام مسلحانه نکرده‌اند، به طور آزاد دارند عمل می‌کنند و به طور آزاد حرف‌های خودشان را دارند می‌زنند، لکن شما بنای بر این مطلب ندارید، و من اگر در هزار احتمال یک احتمال می‌دادم که شما دست بردارید از آن کارهایی که می‌خواهید انجام بدهید، حاضر بودم که با شما تفاهم کنم و من پیش شما بیایم؛ اما هم نبود شما پیش من بیایید، و حالا هم به موجب احکام اسلام نصیحت به شما می‌کنم؛ شما در مقابل این سیل خروشان ملت نمی‌توانید کاری انجام بدهید. شما اگر یک وقت ملت قیام کند، مثل یک ذره‌ای در مقابل این سیل خروشان هستید.

برگردید به دامن اسلام. بیایید آن چیزی را که دیگران می‌خواهند به شما بدهند و وعده آن را به شما می‌دهند در اسلام برای شما مهیاست. شما دست بردارید از قیام مسلحانه و آن چیزهایی که به غارت برده‌اید از بیت‌المال مسلمین برگردانید و با مسلمین دیگر با هم بنشیند. شما منزه و مجترم هستید، لکن مادامی که اسلحه در دست شماست و شما در همین نوشته اظهار مظلومیت و اظهار اینکه ما می‌خواهیم کارها درست بشود و تفاهم بشود، وقتی در همین جا تهدید به قیام می‌کنید، ما نمی‌توانیم از شما این طور مسائل را قبول کنیم، لکن بهتر است که شما با این جمهوری مخالفت نکنید. اگر شما واقعاً، برای مردم و برای این ملت و برای این کارگرا و برای این دهقان‌ها دلسوز هستید، این را بدانید که اگر این جمهوری اسلامی- خدای نخواست- شکست بخورد، شکست مستضعفین در سراسر جهان است.

صحیفه‌اسام،ج۱۴،صص۲۴۲و۲۴۴

تابستان سال ۶۰ مقطعی پر آشوب و بحرانی در تاریخ ایران است که در میان وقایع پیش و پس از خود قطعه‌ای سرنوشت‌ساز را می‌سازد. آن فصل گرم با بوی خون و صدای بمب و اخیر درهم ریخته سیاسی هم‌راه بود. زمانی که هر روز در گوشه‌ای از کشور عده‌ای کشته می‌شدند و هر ناشناسی یا فرد مشکوکی در محل کار و خیابان می‌توانست یک دشمن جدی باشد. گروه‌های مخالف مسلح با فریب جوانان و جذب آنها نقش اصلی را در دامن زدن به خشونت‌ها ایفا کردند و خرخرای بزرگ از خشونت‌های پیوسته به راه افتاد. بررسی سریع و اجمالی وقایع این دوره نشان می‌دهد بسیاری از موقعیت‌ها و جهت‌گیری‌های بعدی تحت تاثیر حوادث این فضا قرار گرفتند.از آنجا که تفسیر تاریخی و سیاسی متفاوتی وجود دارد و برای اینکه شبهه‌ای در نقل و مقایسه رخ ندهد در این نوشته تنها از عناوین روزنامه‌های کیهان و اطلاعات آن روزها استفاده کردیم که البته خود نیز دچار نوعی آشفتگی و سردرگمی از رگبار حوادث بودند. رخدادهای این زمان به خوبی نشان می‌دهد آرامش و ثبات تا چه اندازه در یک جامعه اهمیت داشته و اولویت دارد.

عدم کفایت رئیس جمهور

در آخرین روزهای خردادماه طرح عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر در مجلس به تصویب رسید و او که از مدتی پیش مخفی شده بود از ریاست‌جمهوری برکنار شد. تابستان با تشکیل شورای موقت ریاست‌جمهوری، تشییع پیکر شهید چمران و حمله ایران به تانک‌های عراق در جاده آبادان- ماهشهر آغاز شد.همزمان درگیری‌هایی در گیلان، مشهد، تبریز و زنجان روی داد و گروه بزرگی از دختران (مجاهد(منافق))- نزدیک به ۴۰ نفر- در یک خانه تیمی در شیراز دستگیر شدند. روز دوم تیرماه سالن راه‌آهن قم اثر بمبگذاری منفجر شد که ۵۲ زخمی و کشته بر جای گذاشت. طی روزهای بعد چند عامل هجوم مسلحانه در شهرهای تهران، تبریز، بندرعباس و ارومیه تیرباران شده و نزدیک به ۴۰۰ نفر دستگیر شدند.

شروع ترورها

در همین روزها بود که بمبگذاری در یک ضبط صوت باعث انفجار در حین سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای(مقام معظم رهبری) شد و ایشان که امامت جمعه تهران را بر عهده داشتند بر اثر جراحات وارده در بیمارستان بستری شدند. یک روز پس از این واقعه جلسه حزب جمهوری اسلامی با حضور بسیاری از اعضای آن تشکیل شد که بر اثر انفجاری قوی دفتر حزب کاملاً تخریب شد و بیش از ۷۰ تن به همراه شهید بهشتی به شهادت رسیدند. دو روز پس از آن تعطیل و یک هفته عزای عمومی اعلام شد. شهید باهنر به عنوان دبیرکل حزب معرفی شد و اولین جلسه مجلس پس از این ترور در شرایطی تشکیل شد که در جای خالی ۲۷ نماینده دسته‌های گل قرار داده بودند و تعداد زیادی از دیگر نمایندگان نیز روی صندلی چرخدار با تخت بیمارستانی به جلسه آمدند. ۱۰ تیرماه و یک روز قبل از ماه مبارک رمضان گروهی که قصد انفجار مجلس را داشتند دستگیر شده و شماری از اعضای مجاهدین خلق (منافقین) در اهواز و بابل اعدام شدند. ثبت‌نام داوطلبان پست ریاست‌جمهوری که با برکناری بنی‌صدر خالی مانده بود هم از این روز آغاز شد. ۱۳تیرماه دادستانی مستقر در تاکسیرانی اعلام کرد رانندگان باید در صورت مشاهده و استماع بحث‌های سیاسی منحرف به این مرکز اطلاع دهند. جنگ با عراق در منطقه نوسود شدت یافت و میرحسین موسوی به عنوان وزیر خارجه معرفی شد. در روزهای بعد و پس از ترور استاندار گیلان، اعدام ۲۲ تن از محکومان دادگاه انقلاب و کشف خانه تیمی پر از اسلحه در خیابان فروردین تهران بود که عامل انفجار هفتم نیز شناسایی شد. مشخصات و عکس محمدرضا کلاهی متولد ۱۳۳۸ و

تاریخ



نگاهی به پرورنده تروریسم و یادی از فاجعه هفتم تیر سال ۶۰

تابستان پر ماجرا

محمد سرایی

تابستان سال ۶۰ مقطعی پر آشوب و بحرانی در تاریخ ایران است که در میان وقایع پیش و پس از خود قطعه‌ای سرنوشت‌ساز را می‌سازد. آن فصل گرم با بوی خون و صدای بمب و اخیر درهم ریخته سیاسی همراه بود. هر روز در گوشه‌ای از کشور عده‌ای کشته می‌شدند و هر ناشناسی یا فرد مشکوکی در محل کار و خیابان می‌توانست یک دشمن جدی باشد.

دانشجوی سال اول برق دانشگاه علم و صنعت در روزنامه‌ها به چاپ رسید. ولی احتمال می‌رفت که او از کشور خارج شده باشد.با وجود وضعیت بحرانی داخلی حوادث خارجی نیز به اخبار این روزها راه پیدا می کردند. وقایعی چون حمله هواپیماهای اتحاد جماهیر شوروی به مبارزان افغانستان، جنگ داخلی لبنان و درگیری‌های السالوادور. اما آنچه پیشتر از همه انعکاس یافت نارامی‌های انگلیس بود که در اثر اعتراضات رنگین‌پوستان و همین طور مردم ایرلند شدت یافت. این خبر باعث شد آیت‌الله مشکینی در نماز جمعه ۱۹ تیرماه قم از مبارزات مستضعفان ایرلند شمالی و رنگین‌پوستان انگلیس علیه استعمار انگلیس اعلام حمایت کند. روزهای بعد اخبار پرتاب گوتکل مولوتف به کتابخانه مسجدالهادی در شرق تهران و پرتاب دو بمب صوتی به کانون توحید در غرب تهران و کشف بمب در محله نیروی هوایی و آتش‌سوزی یک سینما در این شهر ادامه پیدا کرد و ۷۰ دختر و پسر هودار مجاهدین (منافقین) در شهر زنجان دستگیر شدند.روز ۲۱ تیرماه همزمان با تیرباران دو سرمایه‌دار بزرگ بازار و بالا گرفتن بحث واگنارای زمین‌های کشاورزی و بند (ج) مبارزات انتخاباتی ریاست‌جمهوری با چهار نامزد پرورش، شبیانی، عسگراولادی و محمدعلی رجایی آغاز شد.حدود یک هفته بعد عسگراولادی حین خروج از منزل خود هدف تیراندازی قرار گرفت.

مسوولان دادگاه متهمان ترور در محاکمه

و خشونت آغاز شد

مهدی غنی



و محلات اطراف توسط نیروهای داوطلب و در قالب کمیته‌های انقلاب که به طور خودجوش و مردمی تشکیل شده و بافت و ساختاری نابسامان دارد صورت می‌گیرد.

از شروع جنگ انقدر با خون و مرگ و جنگ آمیخته بوده است که شاید بتوان گفت تا حدی مرگ اهمیت خود را از دست داده است. بنابراین وقتی سخن از ترور و شهادت کسی می‌رود این واقعه در کنار هزاران شهید دیگر دیده می‌شود و اهمیت و تاثیر آن در فضای جامعه کمتر به ذهن نشوندند می‌آید. در حالی که قرآن کشته شدن یک فرد را به اندازه کشته شدن تمامی مردم مهم می‌داند از این رو باید به زمان واقعه برگردیم و واقعیت ماجرا را بازشناسیم.

۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸ هنوز ۸۰روز از پیروزی انقلاب اسلامی گذشته و نظام جدید هنوز استقرار نیافته است. یک ماه قبل عنوان جمهوری اسلامی از طریق فرمانده برای این نظام انتخاب شد ولی هنوز تعریف و تعیین ساختار نظام و نهادهای آن و قانون حاکم بر آن و جایگاه مسوولان آن مشخص نشده است. اکنون متفکران و نظریه‌پردازان باید بنشینند و این امور را تبیین کنند. گهگاه در گوشه و کنار کشور نارامی‌هایی به چشم می‌خورد.

در مناطقی چون گنبد، کردستان، خوزستان و بلوچستان عوامل محلی بازمانده از رژیم سابق تحركات و ناامنی‌هایی ایجاد کرده و برای مسوولان امر دردرس درست می‌کنند. در این میان گروه‌های سیاسی و ضدرزیم سلطنت که با نظام جدید نیز میانه خوبی ندارند هر کدام برای خود جایگاه و پایگاهی ترتیب داده و درصدد جمع‌آوری نیرو و امکانات برآمدهاند. نشریات متعدد، مرام‌ها و مکاتب گوناگون، استراتژی‌ها و نظریه‌های متفاوت همه ازادانه تبلیغ و ارائه می‌شود و همچنان که گفته‌اند متاد کفر و دین بی‌مشرتی نیست/ گروهی این، گروهی آن هستند.

بگیر و بپند، نیستی، پلیس و نیروی نظامی برای نظام جدید پیش‌بینی نشده است، حفاظت از شهرها

جمعه ارومیه تیراندازی کردند. متعاقب این حوادث پیاپی بازار تهران و چند شهر دیگر در اعتراض به عدم قاطعیت دادگاه‌های انقلاب در مجازات اعضای گروه‌های مسلح و ترورکنندگان تعطیل شدند و شهربانی آمادگی خود را برای حفظ جان شخصیت‌ها اعلام کرد. پس از آن بیش از ۴۰ بمبگذار در تهران و شهرستان‌ها تیرباران شدند و ۱۳ عامل ترور و خرابکاری نیز در تبریز و خوی اعدام شدند که با تیرباران چهار نفر در زندان اوین و دستگیری ۱۱۰ ضدانقلاب و اعدام ۲۴ قاچاقچی و ۳۱ عامل ترور در روزهای بعد ادامه پیدا کرد. پس از ترور حجت‌الاسلام عراقی در کرمانشاه و امام جمعه سندج و حمله به خانه دادستان کل کشور هم ۲۷ منافع اعدام شدند ولی ترورها با ترور حاکم شرع اسلام‌آباد و امام جماعت مسجد باب‌الحوالج تهران ترور فرجام نمانیده ادامه یافت.

در کنار این حوادث روند ترمیم ساختار سیاسی پس از خروج بنی‌صدر در حال انجام بود و باهنر کابینه خود را معرفی کرد. در روز ۸ شهریورماه جلسه‌ای با حضور مقامات ارشد دولت در نخست‌وزیری تشکیل شده بود. در اوایل جلسه دستی که در اتاق قرار داشت منفرج شد و رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و تعداد دیگری از اعضای هیات دولت شهید و مجروح شدند. شدت انفجار به حدی بود که برخی از اجساد شناسایی نشدند و کشمیری که در روزهای آینده مشخص شد عامل اصلی بمبگذاری بوده و جلسه را چند لحظه قبل از انفجار ترک کرده است در فهرست کشته‌شدگان اعلام شد. مهدوی‌کنی اداره دولت را در دست گرفت و پرچم‌های هند، کوبا و سازمان ملل به جهت همدردی با انفجاری که دولت ایران را به فاصله کمی پس از انتخابات از میان برده بود به حالت نیمه‌افراشته درآمد.

در این زمان فضای جهان نیز دستخوش درگیری‌های فراوان بود. اسرائیل وارد جنوب لبنان و آفریقای جنوبی وارد آنگولا شده بود. جری ادماز ایرلندی دستگیر شده بود و نمایندگان ایران در مراسم تشییع جنازه شهدا حوادث این کشور شرکت کرده و با خانواده‌های آنان ملاقات کردند. سفیر فرانسه پس از اینکه بنی‌صدر به این کشور رفت از ایران اخراج شد و نا‌های پاتریس لومومبا آفریقایی، بابی سنذر ایرلندی، مالکوم ایکس آمریکایی و جبهه پولیساروی مراکش در اخبار و تحلیل‌ها تکرار می‌شد. تنها خبر خارجی که بویی از خشونت و جنگ و کشته شدن نمی‌داد از دواج پرنس چارلز شاهزاده انگلیس و دایانا بود. نیمه شهریورماه

و در هفتم شهدای دولت قدوسی دادستان کل انقلاب در محل دادستانی با انفجار بمبی قوی مجروح شد و در بیمارستان به شهادت رسید. در روز ۲۰ شهریور نیز آیت‌الله مدنی امام جمعه تبریز و شش تن از نمازگزاران به شهادت رسیدند. چهار روز بعد نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری برای دومین بار در طول دو ماه اعلام شدند و مباحث مربوط به آن در جریان افتاد. هم‌وزر امام جماعت مسجدالحراء شیراز و دختر ۱۱ساله‌اش ترور و در پایان شهریور ۸۱ نفر تیرباران شدند و به این صورت تابستان سال ۱۳۶۰ به پایان رسید.احتمالاً مرور حجم و سرعت رخ دادن وقایع خشونت‌بار این سه ماه هر کسی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. بمبگذاری، ترور و آشوب توسط مخالفان نظام، کشف خانه‌های تیمی و انبارهای اسلحه، درگیری‌های محلی، جنگ تحمیلی، دستگیری و اعدام، ناامنی گسترده، مشکلات اقتصادی، اشتغال، کمبود کالاهای عمومی، آسیب‌پذگی خانواده‌ها و ساختارهای اجتماعی که در این سطور متعکس نشده است نمونه‌ای از روزهای سختی است که بر مردم و انقلاب و ایران گذشت. چنان که می‌توان گفت کسانی که وقایع تابستان ۶۰ را از نزدیک دیده و حس کرده‌اند می‌نанд امنیت اولین شرط زندگی اجتماعی انسان است.

سال پنجم ■ شماره ۹۹۸ *شوق* *روزانه*

یادداشت

یادداشت‌های یک «کار»شناس

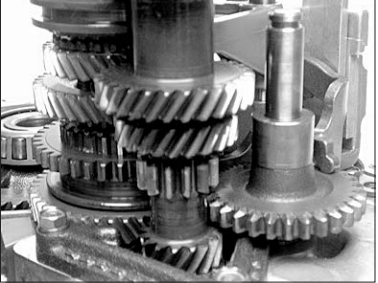
محمدحسین وحدت

تاریخ می‌خوانیم که از خوبی‌های گذشتگان بیاموزیم و بدی‌های آنها را از یاد برده و تکرار نکنیم. از این جهت گفته‌اند تجربه بالاتر از علم است. فرد با جامعه‌ای که از تجربیات گذشتگان نیاموزد بی‌آنکه بداند درجا می‌زند. ما ایرانیان با تاریخ پرفراز و نشیب و آسیب‌های فراوانی که خورده‌ایم صاحب تجربیات بسیاری هستیم که اگر به آن ارج نهمم و برخوردی آموزشی و فرهنگی با آن نداشته باشیم، می‌توانیم از اشتباهات و کاستی‌های گذشته سکوی پرشی برای آینده بسازیم.

این تجربه‌اندوزی نه‌تنها در عرصه سیاسی بلکه در همه زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و اداری می‌تواند اتفاق بیفتد. از این رو جا دارد هر یک از سازمان‌ها تاریخ و تجربیات خود را برای استفاده آیندگان بنویسند؛ کاری که موسسه یا استفسار ما محلی از اعراب ندارد و ما به طور پیوسته به‌ای عدم استفاده از تجربیات گذشته را حتی در مقیاس سازمان و موسسه می‌پردازیم. یکی از هموطنان در یک اقدام ابتکاری دست به این کار بزرگ بازیده و به ثبت خاطرات و تجربیات خود در حیطه کاری همت گماشته است. از آنجا که این یادداشت‌ها علاوه بر ارزش ذاتی می‌تواند انگیزشی برای سایر هموطنان باشد به درج آن می‌پردازیم.

۱- آنجا: حدود دو دهه قبل مطالعاتی در خصوص فرایند تصمیم‌گیری در مدیریت زاینی انجام دادم. نکات قابل توجهی در این مطالعه و تحقیق وجود داشت. از جمله اینکه اخراج فرد از یک موسسه یا استفسار در زاین مذموم بود. در عین حال اگر مدیریت یک موسسه نیازی به یک فرد نداشتند از ارجاع کار به وی خودداری می‌کردند. عدم ارجاع کار به یک فرد بالاترین توهین به وی تلقی می‌شد. این توهین برای کمتر شخصی قابل تحمل بود و معمولاً موسسه را ترک می‌کرد.

۲- در جایی نه‌چندان دور، می‌گفتند در مال تراکتور است. با تجربه‌های فامیل در شروع به کار یک جوان در فامیل، به خصوص اگر می‌خواست در یک سازمان دولتی کار کند، نصیحت‌وار به وی می‌گفتند: «هر چه بیشتر کار کنی بیشتر بارت می‌کنند. مواظب باش از خودت زیادی کار نکنشی.» او بعدها می‌دید



افرادی که کمتر کار کرده بودند از امتیازات بیشتری برخوردار می‌شدند.

۳- اینجا: قبل از انقلاب یکی از همکاران می‌گفت:

«اگر روسا آدم را بیکار در پشت میز کار ببینند خشوندند تا تو را در حال مطالعه مشاهده کنند.»

۴- قبل‌تر: یکی از دوستان کارش را در یک پالايشگاه در جنوب آغاز کرد. در آنجا یکسری مدارک مهندسی در اتاق کنترل وجود داشت. او چند بار برای مطالعه این اسناد به آنجا سر زد. یکی از قدیمی‌ها به وی گفت: «روای ایرانی از مراجه کارکنان جسد به این اسناد خوش‌شان نمی‌آید. آنها نسبت به این موضوع خیلی حساس هستند. این کار به منزله تیر خلاصی است که شخص تازه‌وارد به خود شلیک می‌کند.»

او طی مدت کوتاهی که آنجا کار می‌کرد حتی یک لحظه پس از نوبت کاری ۱۲ساعته شب چشم برهم نگذاشت. با تجربه‌ها در نوبت کاری شب، خود را در

لایه‌لای دستگاه‌ها قايم می‌کردند و می‌خوابیدند. آنها همچنان آنجا بودند. او یک سال بعد آنجا را ترک کرد.

۵- خیلی قبل‌تر: به نقل از دنیای اقتصاد: «... برای

مثال یکی از کارکنان مدیریت اقتصادی به مدت دو سال بیشتر روز را به ترجمه داستان و تدریس ادبیات در دانشگاه گذراند.

طی این مدت، ضمن آنکه وی را نتوانستند به سمت کار برنامه‌ریزی سوق دهند، بلکه معلوم شد که قدرت و نفوذ این شخص به تناسب بی‌توجهی‌اش به وظایف اداری افزایش یافته است...»

«**دنیای اقتصاد، ۸۹/۰۳/۲۵، ص ۳۱. تاریخ اقتصاد، برنامه‌ریزان سازمان را نامه از نگاه مشاوران هاروارد**

نیم‌نگاه

حکم عادلانه

الغ بیک مانند سایر حکمرانان اسلام به بازرگانان ماوراءالنهر به شرط تنصیف منافع از خزانه دولتی پول می‌داد. یکی از تجار سرشناس سمرقند که متضرر شده بود و از طرفی سلطان از پس دادن جواهرات گرانبهایی که از او گرفته بود خودداری می‌کرد از فرط غصه و اندوه سخته کرد و مرد. الغ بیک با آوردن گواهان نادرست می‌خواست میراث متفکرت متوفی را تصاحب کند. قاضی شهر همین که از نیت سوء الغ بیک اطلاع حاصل کرد از طریق یکی از مقربین دربار این پیام تاریخی را فرستاد: «تازه کردن این ماجرای غوناگیز و آوردن گواهان بی‌ایمان برای شما فایده‌ای ندارد زیرا حقیقت امر چون روز مبرهن و روشن است. اگر در انجام مطلوب خود اصرار دارید امر بفرمایید مرا در آب سرد بیندازند و شلاق بزنند و شکنجه کنید. آن وقت با جان و دل حکم به نفع شما صادر خواهم کرد و ماوراءالنهر را از آن شما بدانم. الغ بیک تحت تاثیر پیام بی‌پاکانه قاضی شمس‌الدین محمد مسکین قرار گرفت و از تعقیب موضوع صرف نظر کرد.

(الغ بیک و زمان او، ص ۲۱۰) «تاریخ اجتماعی ایران»